

Research Article

Explaining the Concept of Freedom in the Ideology of Āyatullāh Bihishtī, the analysis of Principles and Limitations Based on MacCallum Model¹

Mohammadreza Abdolahnasab¹, Maghsoud Ranjbar²

¹ PhD., Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author).
Mo.ab62@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
maghsoodranjbar@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain the concept of freedom in the ideology of Āyatullāh Bihishtī based on MacCallum model. Thus, with respect to the fact that freedom in the ideology of Shahīd Bihishtī is of two inner and outer aspects, the main research question investigates how his attitude to freedom is analyzed based on the triplet criteria in McCallum model (actor, obstacle, and objective). This research relies on the hypothesis that although Shahīd Bihishtī pays more attention to inner freedom than outer freedom, he nevertheless attempts to analyze the former as an introduction to the latter and thereby making a bilateral tie between them. The method of study is descriptive analysis and the results showed that his approach to the elements of McCallum model is under the influence of his priority to inner freedom. Contrary to the western thinkers whose definition of freedom has no regard for the internal source of freedom, Shahīd Bihishtī in the three aforementioned criteria pays special attention to the inner aspect of freedom and thus his purpose of freedom is not classified just within the modern approach to freedom.

Keywords: Āyatullāh Bihishtī, Inner Freedom, Outer Freedom, MacCallum Model.

1. **Received:** 2019/06/30 ; **Accepted:** 2020/06/01

** Copyright © the authors

*** <http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>



تبیین مفهوم آزادی در اندیشه آیت‌الله بهشتی، تحلیل مبانی و محدودیت‌ها براساس مدل مک کالوم^۱

محمد رضا عبدالله نسب^۱، مقصود رنجبار^۲

^۱ دکتری علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). Mo.ab62@yahoo.com
^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. maghsoodranjbar@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین مفهوم آزادی در اندیشه آیت‌الله بهشتی، براساس مدل مک کالوم است. بنابراین، سوال اصلی پژوهش این است که با توجه به اینکه در اندیشه شهید بهشتی آزادی دارای دو بُعد درونی و بیرونی است، نگرش وی به آزادی، براساس مولفه‌های سه گانه مدل مک کالوم (فاعل، مانع و هدف) چگونه قابل تحلیل است؟ پژوهش بر این فرضیه استوار می‌باشد که شهید بهشتی با اینکه برآزادی درونی بیش از آزادی بیرونی اهمیت می‌دهد، ولی در عین حال سعی می‌کند آزادی درونی را به‌مثابه مقدمه‌ای برای آزادی بیرونی تحلیل کند و رابطه دوسویه آزادی درونی و اجتماعی را برقرار کند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که خاستگاه نگرش شهید بهشتی به عناصر مدل کالوم تحت‌الشعاع اولویت است که ایشان به آزادی درونی می‌دهد. شهید بهشتی در سه مولفه مذکور، برخلاف تعریف اندیشمندان غربی از آزادی که اعتنایی به خاستگاه درونی آزادی ندارند، به بُعد درونی آزادی توجه ویژه‌ای دارد و همین امر موجب می‌شود که نتوان مراد وی از آزادی را رهیافت مدرن از آزادی ترسیم کرد.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله بهشتی، آزادی درونی، آزادی بیرونی، مدل مک کالوم.

۱. مقدمه

به طور کلی باید گفت که آزادی از مقوله‌های مهمی است که دیدگاه اسلام درباره آن اهمیت حیاتی دارد. ولی زمانی که از دیدگاه اسلام درباره آزادی بحث می‌شود، در واقع مراد تفاسیری می‌باشد که از سوی اندیشمندان اسلامی درباره آزادی از دیدگاه اسلام ارائه شده است. بنابراین، بحث آزادی در اسلام، تفسیر آرای اندیشمندان مسلمان در این باب می‌باشد. از لحاظ تاریخی در جوامع اسلامی، آزادی بیشتر دارای مفهوم حقوقی و در برابر واژه عبد بوده است. واژه حرّ علی القاعده تنها دارای دلالت حقوقی بوده و اگر هم گاهی مضمون اجتماعی اندکی می‌یافته، این مضمون به هیچ وجه سیاسی نبوده است (لوئیس، ۱۳۶۶، ص ۳۶). در سنت اندیشه سیاسی اسلامی، نقطه مقابل استبداد، عدالت و نقطه مقابل آزادی، بردگی بوده و آزادی به هیچ عنوان مفهومی سیاسی- اجتماعی در معانی جدید آن تلقی نمی‌شده است که چالش‌های اساسی را پیش روی حکومت‌ها قرار دهد. در حالی که نگرش نوین بر آن است که اصولاً چنین مفهومی از آزادی در سنت فکری مسلمین بی‌سابقه بوده و نمی‌توان آن را از متون و نصوص دینی و شرعی استنتاج کرد.

از سوی دیگر، آزادی در اندیشه اسلامی بیشتر جنبه درونی پیدا کرده و به معنای رهایی از بندگی نفس به کار رفته است. در حال حاضر هم بسیاری از اندیشمندان نگرش سنتی زمانی که واژه آزادی را به کار می‌برند، در واقع همان معنای «آزادی درونی» را از آن افاده می‌کنند و حداقل، آن را بر آزادی بیرونی مقدم می‌دارند. تأکیدی که بر جوهر معنوی آزادی می‌شود، نشان‌دهنده مراد اندیشمندان سنت‌گرا در باب آزادی است. از این‌رو، آزادی واقعی مرادف با رهایی از بند گناهان و انجام صالحات می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۱)، تأکیدی که شهید مطهری هم بر ارتباط آزادی معنوی با مفاهیمی چون هوس، حسد و تقوا دارد، نشان دهنده اولویت دغدغه‌های مربوط به آزادی درونی در ذهن این اندیشمند اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۷)، گرچه به آزادی‌های مدنی با قرائت اسلامی کاملاً معتقد می‌باشد. در نگرش نوین، در شرایط فعلی اصولاً زمانی که از آزادی سخن گفته می‌شود، آزادی بیرونی و سیاسی است و آزادی درونی با تمام ارج و قربش مورد نظر نمی‌باشد. از این منظر «آزادی در معنای امروزی آن با سیاست که امروزه یک عمل برنامه‌ریزی جمعی است، معنا پیدا می‌کند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۵، ص ۸۳). بنابراین، اصولاً این بحث که از نظر اسلام اصل آزادی،

آزادی درونی است، مطرح نیست، بلکه غرض از بحث آزادی، ایجاد مصونیت از مداخله‌های ناروای حکومت در حوزه‌های خصوصی جامعه و جلوگیری از محدودیت‌های سیاسی است که موجب استبداد و دیکتاتوری می‌شود. تردیدی در این امر نیست که اسلام بدنبال پرورش انسان‌هایی است که به مراتب بالایی از تقوا و خودسازی معنوی رسیده باشند. حال سؤال این است که آیا آزادی بیرونی شرایط را برای تحقق چنین هدفی فراهم می‌کند یا اینکه آزادی درونی می‌تواند، فضای اجتماعی را تلطیف و تطهیر نماید؟ دو نگرش سنتی و نوین به لحاظ اختلاف در نقطه عزیمت، در اینجا نیز دو دیدگاه متفاوت را در این زمینه مطرح می‌کنند. براساس نگرش نوین، بی‌گمان در صورتی که جامعه از لحاظ سیاسی و بیرونی دارای آزادی باشد و مردم احساس رضایت و عزت داشته باشند، زمینه برای ساختن چنین شرایطی مهیاءتر است. بر این اساس «بهره‌مندی انسان از آزادی بیرونی به معنای زیستن در جامعه‌ای سالم که واقعیات سیاسی و حکومتی آن سازگار با اندیشه و اراده افراد است، شرط قطعی بهره‌مندی آنان از آزادی درونی، یعنی همان آزادی اندیشه و اراده می‌باشد» (مجتهد شبستری، ۱۳۷۵، ص ۷۹؛ سروش، ۱۳۷۳، ص ۳۰۳). اما نگرش سنتی عکس این دیدگاه را مطرح می‌کند. در میان متفکرین نگرش سنتی، شهید مطهری با وجود اینکه بیش از دیگر اندیشمندان به نگرش نوین نزدیک است، این مسأله را اینگونه مورد تاکید قرار می‌دهد: «بزرگ‌ترین خسران عصر ما این است که همه‌اش می‌گویند آزادی، اما جز از آزادی اجتماعی سخن نمی‌گویند، از آزادی معنوی حرفی نمی‌زنند و به همین دلیل به آزادی اجتماعی هم نمی‌رسند» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۵). به نظر می‌رسد دیدگاه شهید بهشتی هم نزدیک به دیدگاه آیت‌الله مطهری و مابین این دو نگرش و نزدیک به نگرش نوین باشد. نکته اول اینکه در تحلیل چگونگی اتصال آزادی درونی و بیرونی در اندیشه شهید بهشتی، باید چرایی وقوع انقلاب اسلامی و تحولات آن را مد نظر قرار داد. انقلاب اسلامی دو هدف اساسی داشت: یکی محو پایه‌های ظلم، اختناق و سرکوب، و دیگری تصحیح و تشکیل نهادها و ساختارهای جامعه‌ای متفاوت. از این رو، پاسداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی در برابر خودکامگی حکومت، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های فکری و عملی رهبران انقلاب بود. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی، مانند هر نهضت اصلاح‌طلبانه دیگر، با توطئه‌ها و دسیسه‌های داخلی و خارجی که یا در جهت ویرانی نظام نوپای جمهوری اسلامی و یا در جهت کسب و بسط منافع گروهی یا فردی قدرت‌طلبان و سیطره‌جویان صورت می‌پذیرفت، مواجه بود

و همین امر موجبات امنیتی شدن را در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب رقم زد. در این میان اندیشه سیاسی شهید بهشتی به سبب داشتن نقش اصلی و مهم در تصویب قانون اساسی و اداره نظام سیاسی پس از انقلاب، از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار است. از منظر ایشان، بزرگ‌ترین شعار اسلام، آزادی بوده که البته آن آزادی پذیرفته است که انسان را به خدا برساند که غایت آن کمال عبودیت می‌باشد (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۹۲). در این نگاه، انسان مورد نظر اسلام موجودی است که باید انتخاب‌گر به دنیا بیاید و انتخاب‌گر زندگی کند و انسانیت انسان به آزادی‌اش می‌باشد (بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۱). پس، محصول ترابط آزادی فطری و اجتماعی، جامعه عادل است که برای انسان‌ها امکان اندیشیدن فراهم سازد، نه تحمیل اراده و اختناق فکری، زیرا که مانع بهره‌وری انسان از حق فطری و خدادادی‌اش می‌باشد (بهشتی، باهنر و گلزاده غفوری، ۱۳۹۰، ص ۴۰۸).

۲. پیشینه پژوهش

لکزایی (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان «سازوکارهای آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله بهشتی»، ضمن توجه به مفهوم آزادی، به بررسی اهمیت آزادی‌های اجتماعی در اندیشه شهید بهشتی پرداخته است.

نساج و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه آزادی در منظومه فکری شهید بهشتی»، نسبت اسلام و آزادی در نگرش شهید بهشتی را مورد بررسی قرار داده است. اطهری (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی مفهوم آزادی از نگاه امام خمینی و آیت‌الله بهشتی»، مفهوم آزادی را با ارزش‌های اسلامی مطابقت داده و خوانش این دو متفکر را در نقطه مقابل با نظریات رقیب که انسان‌شناسی متفاوتی دارند، ارائه می‌کند. با توجه به پژوهش‌های موجود، طبقه‌بندی آزادی براساس دو مفهوم آزادی درونی و آزادی بیرونی در اندیشه شهید بهشتی، انجام نشده است.

پژوهش حاضر ضمن تبیین دو خوانش از آزادی با عنوان خوانش سنتی و مدرن، اندیشه شهید بهشتی را نزدیک به برداشت سنتی از آزادی می‌داند، گرچه آزادی‌های اجتماعی از دغدغه‌های مهم اندیشه‌ورزی ایشان بوده است.

۳. چارچوب نظری

در بررسی و ترسیم مبانی آزادی و محدودیت‌های آن در اندیشه شهید بهشتی، از

الگوی نظری مک کالوم استفاده شده است. به نظر کالوم، آزادی، دارای مفهوم واحدی بوده که دربرگیرنده عناصر و مؤلفه‌هایی است و تأکید بر این مؤلفه‌ها باعث شکل‌گیری برداشت‌های مختلفی از آن شده است. در این دیدگاه، آزادی دارای سه مؤلفه فاعل (عامل)، مانع (رادع) و هدف (غایت) می‌باشد. البته بدیهی است که تفاوتی اساسی که بین مدل مک کالوم و دیدگاه شهید بهشتی مسأله ایجاد می‌کند این است که نگاه مک کالوم به آزادی در معنای مدرن آن و تک‌بعدی و با محوریت آزادی بیرونی است، ولی جایی که اندیشه شهید بهشتی مربوط به آزادی‌های بیرونی می‌باشد، می‌توان مدل مک کالوم را با آن تطبیق داد (Mac Callum, 1967).

۳-۱. فاعل (عامل)^۱

اولین عنصر و مؤلفه اساسی آزادی، فاعل یا عاملی است که در عرصه سیاست و اجتماع زندگی می‌کند، تا این عنصر وجود نداشته باشد، نمی‌توان آزادی را تصور کرد. این متغیر همان عامل X در الگوی مک کالوم است که دارنده وصف آزادی یا فاقد آن می‌باشد. آزادی نیز وصف و حالتی است که وجود یا عدم آن را می‌توان به این عامل (فاعل) نسبت داد.

۳-۱-۱. آزادی در اندیشه آیت‌الله بهشتی

اسلام یکی از فلسفه‌های بعثت انبیاء را آزادی انسان‌ها در رهایی از قید اسارت‌ها معرفی کرده و قرآن کریم می‌فرماید: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم». در اندیشه سیاسی غرب، به مقوله آزادی توجه ویژه‌ای شده است. به طور مثال، به نظر آیزیا برلین^۲ دو معنای آزادی از همه مهم‌تر و برجسته‌تر بوده است: آزادی مثبت و آزادی منفی. آزادی مثبت در نظریه برلین چند معنا دارد: اولاً، به معنای خودمختاری فردی، ثانیاً، به مفهوم عمل برحسب مقتضیات عقل و ثالثاً، به معنای حق مشارکت در قدرت عمومی است (بشیریه، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۵). برلین در تعریف آزادی منفی می‌گوید: «اگر من در موردی به سبب دخالت دیگران نتوانم کاری را که می‌خواهم انجام دهم، آزادی خود را به همان مقدار از دست داده‌ام و اگر دخالت دیگران آن قدر گسترش پیدا کند که دامنه آزادی عمل

1. Agant

2. Isaiah Berlin

من از حداقلی هم کم‌تر گردد، می‌توان گفت که من از نظر فردی به صورت «مجبور»، و حتی «برده» درآمده‌ام» (برلین، ۱۳۹۲، ص ۲۷۲). آیت‌الله بهشتی آزادی را از اصول اساسی اسلام و نفی آن را مساوی با مسخ شخصیت و انسانیت انسان می‌داند (بهشتی، ۱۳۶۲/۱/۲، ص ۴). نکته مهم این است که در اندیشه آیت‌الله بهشتی، توجه به دو وجه آزادی (درونی - بیرونی) تصریح شده است: «آزادی به معنای یک نیاز عمیق و اصیل درونی که هر فردی به طور طبیعی خواهان آن است و از عدمش رنج می‌برد و دیگری، آزادی به معنای یک واقعیت اجتماعی» (واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۵۶). در این نگاه، آزادی اجتماعی مطالبه‌ای اصیل است که با وجود جامعه آزاد می‌توان بدان پاسخ داد (واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۵۷). ناگفته پیداست مبنای نگاه شهید بهشتی به انسان و آزادی او، از بینش توحیدی آن ناشی می‌شود. از آنجا که اساس الهیات دین بر توحید استوار است (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲)، بر این اساس شهید بهشتی بحث را با آزادی درونی آغاز می‌کند و این رویه را به آزادی بیرونی هم هدایت کرده (مهاجری، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵) و سپس دست به تقسیم‌بندی آزادی کاذب و صادق می‌زند و آزادی راستین را آزادی‌ای می‌داند که از بطن جامعه سر برآورد و پایگاه اجتماعی داشته باشد (واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۵۷). پس، می‌توان گفت: حتی آزادی عقیده امری طبیعی است و نفی تحمیل و ضرورت استدلال و افتناع خطیر می‌باشد (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۶). در حوزه اجتماعی، آیت‌الله بهشتی محور جمهوری اسلامی را ایمان و وجدان دینی و انسانی می‌داند. لذا، بزرگ‌ترین شاخصه نظام اسلامی، آزادی اجتماعی است (بهشتی، بی‌تا، ص ۱۱). این سازه فکری موجب توجه خاص شهید بهشتی به روش تعیین امام جامعه در عهد غیبت معصوم دارد و نفی امامت تعیینی و تحمیلی و تحقق امامت شناختی و انتخابی ضروری می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۱۷). البته چنین نگرشی ریشه در آموزه‌های دینی تشیع نیز دارد، آنجا که امام علی (ع) در تاکید بر این نوع آزادی می‌فرماید: «گمان نبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید یا درپی بزرگ نشان دادن خویشی، زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق یا مشورت درباره عدالت با من خودداری نکنید» (نهج البلاغه، نامه ۲۱۶).

۳-۲. مانع (رادع)^۱

عنصر دوم مفهوم آزادی، مانع و رادعی است که ممکن است عنصر اول (فاعل، عامل) را از انجام یک عمل، منع کند. بی‌شک این عنصر نیز که عنصر ۷ در الگوی مک کالوم است، از مهم‌ترین عناصر مفهوم آزادی محسوب می‌شود. در تاریخ بشری آنچه بیش از هر چیز رخ‌نمایی کرده، تقابل امنیت با مفاهیمی نظیر آزادی می‌باشد. پس، می‌توان گفت، امنیت همواره عاملی برای تحدید آزادی بوده است، به این دلیل که در فضای امن و جامعه ایمن می‌توان به آزادی رسید و در فقدان امنیت، آزادی به ابتدال منجر می‌شود و حتی ممکن است امنیت از ناحیه آزادی مورد تهدید واقع شود (جیمز و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۸). همچنان‌که جان راولز^۲ تحدید آزادی را در صورت عدم امنیت جامعه تجویز می‌کند (محمودی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹). توجیه ضرورت توجه به مسأله ثبات در جوامع اسلامی، برای دفع هرج و مرج داخلی و جلوگیری از سلطه کفار بوده، ولی این امر باعث شد موضوع امنیت دستاویز جوامع اسلامی قرار گیرد و زمینه طرح نظریه استیلاء فراهم شود (فیرحی، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

عنصر مانع و رادع را نیز می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- اشخاص یا شخص: اگر شخص یا اشخاص مانع انجام فعالیت و رفتار سیاسی شخص یا اشخاص دیگر شوند، در صورتی که آن شخص (مانع) هیچ‌گونه انتسابی به دولت نداشته باشند، نمی‌توان این حالت را فقدان آزادی سیاسی ذکر کرد، در عین حال که می‌توان آن را فقدان آزادی فردی نام نهاد. از جمله مسائلی که دغدغه شهید بهشتی در ایام اولیه انقلاب اسلامی بود، مسأله بی‌نظمی و هرج و مرج است. این متفکر اسلامی با الهام از «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»، مطالبه دخالت و نظارت همگانی بدون شرط و مرز را مطرح می‌کند، البته در صورتی که موجب هرج و مرج نگردد (بهشتی، ۱۳۸۰). در منظری دیگر، امنیت شخصی، از جمله مفاهیمی است که در اندیشه و عمل آیت‌الله بهشتی جایگاه خاصی داشته است، مثلاً در جریان تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی، شهید بهشتی در مخالفت صریح

1. Constraint

2. John Rawls

با شکنجه جهت اقرار متهمان چنین بیان می‌کند: «توجه بفرمایید که مسأله، راه چیزی باز شدن است. به محض اینکه این راه باز شد و خواستند کسی را که متهم به بزرگ‌ترین جرم‌ها باشد، یک سیلی به او بزنند، مطمئن باشید به داغ کردن همه افراد منتهی می‌شود. پس، این راه را باید بست، یعنی اگر حتی ده نفر از افراد سرشناس ربوده شوند و این راه باز نشود، جامعه سالم‌تر است» (بهشتی، ۳ مهر ۱۳۵۸، ص ۷۷۷-۷۷۸).

۲- **موسسات و تشکّل‌های سیاسی:** دسته دوم (تشکّل‌ها) نیز از آنجا که به حوزه عمومی و نه دولت تعلق دارند و حد فاصل میان فرد و دولت به منزله بخشی از جامعه مدنی عمل می‌کنند، خارج از این عنصر خواهند بود، اما از آنجا که این تشکّل‌ها نیز می‌توانند همچون دولت‌ها مانع انجام رفتارهای اجتماعی- سیاسی افراد گردند، می‌توان آنها را نیز در زمره عنصر دوم قرار داد و به این لحاظ نقش افراد نیز در شکل‌گیری این عنصر قابل ذکر است. دستوری و امنیتی نکردن فضای فکری جامعه و عقاید مردم، از دغدغه‌های مهم و پرتکرار شهید بهشتی بوده است. لذا، در توصیه به طلاب حوزوی از ضرورت و اهمیت آگاهی‌بخشی به مردم با وجود عدم تحمیل سخن گفته‌اند (بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶). علاوه بر این، می‌توان گفت، مشارکت اجتماعی مردم در چرخه قدرت از مهم‌ترین عوامل ثبات و کارآمدی بهتر نظام‌های سیاسی است، تا جایی که در جامعه‌شناسی سیاسی، احزاب مهم‌ترین وسیله تبدیل قدرت اجتماعی به قدرت سیاسی هستند (نویمان، ۱۳۷۳، ص ۵۴). در اندیشه تئورسین انقلاب، حزب، اهمیت خاص خود را دارد که به معنای: «گرد هم آمدن و سازمان یافتن و سازمان پذیرفتن افرادی که همدیگر را می‌شناسند و به همدیگر اعتماد دارند ... و می‌خواهند بر پایه حاکمیت اسلام، جامعه اسلامی را اداره کنند یا در اداره آن جامعه اسلامی سهیم گردند» است (بهشتی، ۱۳۶۲، ص ۶۵). از این‌رو ایشان در بیست و نهم بهمن ۱۳۵۷، یعنی چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موجودیت سیاسی حزب جمهوری اسلامی را با هدف تلاش برای تداوم انقلاب اعلام کرد، زیرا معتقد بود وقتی انقلاب پیروز می‌شود، نوبت به تداوم انقلاب، نوبت به مدیریت، نوبت به برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف روحی و معنوی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، خانوادگی، بهداشتی و امثال آنها می‌رسد ... همه اینها احتیاج به نیروهای ساخته شده و کارآمد دارد، نیروهایی که باهم هم‌فکر باشند (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸). با این وجود، آیت‌الله بهشتی وجود احزاب توطئه‌گر را ضد رشد می‌داند و بر عدم آزادی آنها اصرار دارد (واحد فرهنگی بنیاد شهید

انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۹۴۸).

۳- دولت‌ها: دولت‌ها از مکانیزم‌های خاصی برای ایجاد مانع و یا محدودیت استفاده می‌کنند که در یک تقسیم‌بندی می‌توان این مکانیزم‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف) مکانیزم‌های مشروع: یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های مشروع، قانون است. حکومت‌ها با وضع قانون و اجرای آن می‌توانند در برابر اشخاص و تشکّل‌ها ممنوعیت و محدودیت‌هایی را ایجاد کنند. علاوه بر وضع قانون و اجرای آن، یکی دیگر از شیوه‌های اعمال حاکمیت، در فعالیت‌های قضایی حکومت تحقق می‌یابد. بنابراین، حکومت‌ها از سه شیوه رایج قانون‌گذاری، اجرای قانون و قضاوت، برای اعمال حاکمیت خود بهره می‌گیرند و با تکیه بر آنها به کنترل آزادی‌های شهروندان و تشکّل‌ها می‌پردازند. بنابراین، هرچند که در ظاهر، این مکانیزم‌ها مانع و رادع محسوب می‌شوند، اما از آنجا که حکومت‌ها قانون‌گذار، مجری قانون و داورند، می‌توان مانع و رادع را در واقع خود دولت‌ها دانست.

در این باره می‌توان گفت، گرچه آزادی جایگاهی خطیر و وسیع در منطق فکری آیت‌الله بهشتی دارد، اما این، به معنای خدشه‌دار شدن حاکمیت سیاسی و نظم مطلوب جامعه نیست. لذا، گرچه آزادی مخالفان و عدم تحمیل بر شهروندان، پایه اساسی حکومت قلمداد می‌شود (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۹)، اما مسأله حراست از مسائل اجتماعی و کیان انقلاب اسلامی و قانون اساسی، فصل الخطاب حاکمیت و ملت می‌باشد (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۸۳). در نتیجه، در کشاکش و تصادم احتمالی آزادی با تمامیت نظام اسلامی، محدودیت آزادی حادث می‌شود.

ب) مکانیزم‌های نامشروع: گاهی اوقات حکومت‌ها علاوه بر به‌کارگیری مکانیزم‌های مشروع، از مکانیزم‌های نامشروع نیز در اعمال حاکمیت بهره می‌گیرند. مهم‌ترین مکانیزم نامشروع، به‌کارگیری زور و خشونت در جامعه است. حکومت‌ها با استفاده از نیروی زور و خشونت، به عنوان مانعی اساسی در برابر شهروندان و تشکّل‌های سیاسی قرار می‌گیرند و آزادی آنها را محدود می‌کنند. یکی از مصادیق آزادی‌های اجتماعی، حق انتقاد از حاکمان است که معمولاً در طول تاریخ، دست‌مایه امنیتی شدن جامعه و اختناق‌های بسیار شده است. در این راستا، بهشتی تنفر خود را از مزاحمان به منتقدین نظام اعلام (واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱، ص ۴۲۱) می‌کند. این مجتهد حقوقدان، خطر تحجرگرایی در مواجهه

با منتقدان را حتی به نظام اسلامی گوشزد می‌کند: «بر طبق آنچه که ما از اسلام می‌شناسیم، هیچ حکومتی تحت هیچ شرایطی حق ندارد آزادی انتقاد از رهبران را از دست مردم بگیرد. این در اسلام دگم است ... ما در شرایط فوق‌العاده هستیم، با دشمن‌های مختلف روبه‌رو هستیم، حکومت نظامی اعلام می‌کنیم، این در اسلام نیست» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷). پس حتی نباید وحدت، بهانه انسداد فکری جریانات شود، زیرا این روش منجر به تقابل و درگیری می‌گردد (بهشتی، ۱۳۸۱).

۳-۳. هدف غایت^۱

عنصر سوم مفهوم آزادی در الگوی مک کالوم عبارت است از هدف و غایتی که فاعل (عامل) درصدد انجام آن می‌باشد. البته اهداف و غایات در جامعه متعدد بوده و افعال گوناگونی را در برمی‌گیرد. پرسش کلیدی در مسأله آزادی بشر این است که انسان تا کجا آزاد بوده و محدودیت‌های جامعه چه میزان موجه است. این پرسش، آزادی را در کانون توجه فلسفه سیاسی جدید قرار می‌دهد (سویفت، ۱۳۸۵، ص ۹۲)، یعنی چرا باید افراد آزاد باشند که غیرعاقلانه تصمیم بگیرند؟ پاسخ آن از منظر آزادی منفی این است که انسان تنها با گزینش خود و حتی در صورت اشتباه کردن، فرصت بالیدن دوباره و رشد و پیشرفت را دارد. در این معنی احترام به انسان و کرامت انسانی اهمیت می‌یابد (سویفت، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸). در این بخش می‌توان رفتارهای اشخاص را در جامعه، در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم کرد:

۱. رفتارهای فردی^۲

در اندیشه شهید بهشتی، اصالت بر عدم، تحدید آزادی انسان است، مگر محدودیت‌هایی که اگر رعایت نشود، به آزادی همگان ضرر می‌زند (بی‌نا، ۱۳۶۱). بنابراین، آزادی‌هایی که فسادزا هستند، مردود و منکر می‌باشند گرچه تنها تنها تعهد انسان، ایجاد حکومت آزاد (بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۳) بوده و ایشان دغدغه خویش را برای نهادینه کردن آزادی در جامعه این چنین بیان می‌کند: «اولین بحث‌هایی که قرار است با هم داشته باشیم، اینهاست که

1. Aim - Goal

2. Individual behaviours

اگر موانع و مشکلات و محدودیت‌هایی برای آزادی مشروع‌تر در بیان احساس و اندیشه وجود دارد، کیفیت از بین بردن این موانع و بهترین راه برای از میان برداشتن این موانع چیست؟ جنجال است، فریاد است، مرده باد و زنده باد است، یا نه، راه‌های معقول‌تر و راه‌های سازنده‌تر و مطلوب‌تری وجود دارد» (بی‌نا، ۱۳۶۱، ص ۴۴).

۲. رفتارهای اجتماعی - سیاسی^۱

بلوغ فکری شهروندان از اهداف غائی شهید بهشتی است، به طوری که حتی ترتیب اثر به نظرات حاکم در حوزه عقاید را قابل پذیرش نمی‌داند (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۶۷). البته تضعیف اصل نظام به حدی که سبب یأس مردم بشود، نادرست است (بی‌نا، ۱۳۶۱، ص ۴۸). بنابراین، مدیریت سیاسی و نگاه حقوقی شهید بهشتی، در تقسیم‌بندی نیروهای اجتماعی فعال قابل توجه بوده و گروه‌هایی که ضد اسلام نیستند، هر چند طبق اسلام هم نیستند، باید در بیان آراء خود آزاد باشند، گرچه تضارب فکری با آنها از وظایف حکومت اسلامی است. گروه دوم مخالفان ضد اسلام می‌باشند که با اساس نظام جمهوری اسلامی ستیز عملی ندارند هم آزاد می‌باشند. اما یک گروه دیگر، آنهایی هستند که ضد اسلام بوده و بر ضد جمهوری اسلامی توطئه می‌کنند، که در این شکل وجود این طیف فکری غیر قانونی بوده و نیازمند برخورد حکومت با آنها می‌باشد (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸).

شهید بهشتی آزادی سیاسی را مقارن با صلح کل دانستن همه افکار و قرائت‌ها نمی‌داند و در نفی پلورالیسم و ترسیم برش‌های مشخص برای هر مکتب (مهاجری، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳) می‌گوید: «اگر کسانی جهان‌بینی و بینش اجتماعی‌شان این است که آقا! سر دیدگاه‌ها دعوا نکنیم.... به اینها بگویید، تشریف بیاورید برویم خانقاه، توی مسجد هم نیاید» (همان). در نتیجه آزادی مورد نظر شهید بهشتی با قرائت مارکسیستی و لیبرالیستی متفاوت بوده و حصارهای آهنین و بازار بی‌ضابطه و بدون نظارت اندیشه‌ها را تایید نمی‌کند (بی‌نا، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

۴. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین آرمان‌های بشری، تحقق آزادی‌های مختلف سیاسی و شخصی است که در انقلاب اسلامی هم هدفی بسیار مهم بوده و در مذاکرات مجلس خبرگان قانون

اساسی و سپس متن قانون اساسی کشور آمده است. شهید بهشتی به عنوان یکی از اعضای موثر در مجلس خبرگان قانون اساسی که نقش مهمی در تدوین آن داشته، در بحث‌های مربوط به کم و کیف آزادی در این مجلس هم تاثیرگذار بوده است. با اینکه در این مجلس اختلافات عدیده‌ای در خصوص مفهوم و جایگاه آزادی در اسلام وجود داشته است، یکی از اندیشمندانی که همواره سعی کرده که جانب آزادی را بگیرد، شهید بهشتی می‌باشد. پس، آزادی جایگاهی خطیر و وسیع در منطق فکری ایشان داشته و حتی می‌توان گفت محور و بنیان اندیشه آیت‌الله بهشتی، آزادی بوده و می‌توان ایشان را اندیشمند آزادی به شمار آورد. اما مسأله‌ای که وجود دارد این است که به زعم برخی اندیشمندان مسلمان، آزادی از دیدگاه اسلام، صرفاً به معنای رها شدن از بردگی و اطاعت غیرخدا بوده و این نگرش موجب بدفهمی در خصوص مفهوم آزادی می‌شود. حل این آسیب دغدغه فکری شهید بهشتی بود و این متفکر اسلامی به نوعی به دنبال پل زدن و اتصال بین آزادی درونی و بیرونی است که البته در این اتصال و ارتباط، شناخت مبانی و محدودیت‌های آزادی، ضرورت پیدا می‌کند. با کاوش در آراء ایشان می‌توان گفت، آزادی در معرفت‌شناسی شهید بهشتی، رهاورد حق‌پرستی است، اما با معنایی وسیع، یعنی آدم با خداپرستی و توحید، آزادی درونی و بیرونی که در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است را به دست می‌آورد. پس شهید بهشتی، در مبنا بندگی را خاستگاه آزادی می‌داند، گرچه مراد وی از آزادی صرفاً توجه به بُعد درونی انسان نیست، بلکه تعریفش را توسعه داده و جنبه بیرونی آزادی را هم شامل می‌شود. این آزادی، مطابق با فطرت انسانی و غایت آن تعالی انسان است که البته با دو عامل محدود می‌شود: یکی اینکه آزادی یک فرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران ضربه نزند، دوم، آزادی‌هایی که محیط را فاسد می‌کند و زمینه را برای رشد فساد در جامعه آماده می‌کند. از این‌رو در کشاکش امنیت و آزادی می‌توان از سه الگوی مدیریتی مختلف بهره برد: الگوی امنیت‌گرا، الگوی آزادی‌گرا و الگوی تعادل. در الگوی سوم، تعادل اصالت با کرامت انسانی و حقا و آزادی‌های بشر است. در این الگو، گرچه آزادی‌های بشری اصالت دارند، اما در احوالات خاص و پس از طی کردن سلسله مراتب قانونی، می‌توان در راستای حفظ امنیت و دفاع از مصالح جمعی و قطعی، آزادی را موقتاً محدود کرد. با بررسی دقیق منظومه فکری شهید بهشتی می‌توان به قرابت آراء ایشان با الگوی سوم اشاره کرد که در بخش‌های مختلف این پژوهش بدان پرداخته شد.

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
۱. اطهری، سید حسین؛ درودی، مسعود (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم آزادی از نگاه امام خمینی و آیت‌الله بهشتی. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۳(۹)، ص ۹۱-۱۰۸.
 ۲. برلین، آیزایا (۱۳۹۲). چهار مقاله درباره آزادی. تهران: خوارزمی.
 ۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: نشر نی، ج ۲.
 ۴. بهشتی، محمد (۱۳۸۱). آزادی هرج و مرج و زورمداری. تهران: بقیعه.
 ۵. بهشتی، محمد (۱۳۸۳). ولایت، رهبری و روحانیت. تهران: بقیعه.
 ۶. بهشتی، محمد (۱۳۸۶). اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا. تهران: بقیعه.
 ۷. بهشتی، محمد (۱۳۹۰). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.
 ۸. بهشتی، محمد (۱۳۹۰/الف). نقش آزادی در تربیت کودک. تهران: بقیعه.
 ۹. بهشتی، محمد (۱۳۹۰/ب). خدا از دیدگاه قرآن. تهران: بقیعه.
 ۱۰. بهشتی، محمد (۱۳۹۰/ج). حزب جمهوری اسلامی. تهران: روزنه.
 ۱۱. بهشتی، محمد (۱۳۶۲/۱/۲). سخنرانی درباره آزادی در جامعه اسلامی. *روزنامه جمهوری اسلامی*. ص ۴.
 ۱۲. بهشتی، محمد (۳ مهر ۱۳۵۸). صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی: جلسه سی‌ام.
 ۱۳. بهشتی، محمد (بی‌تا). بررسی تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت. تهران: ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر.
 ۱۴. بهشتی، محمد؛ باهنر، محمدجواد؛ گلزاده غفوری، علی (۱۳۹۰). شناخت اسلام. تهران: نشر بقیعه.
 ۱۵. بی‌نا (۱۳۶۱). سخنرانی‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی. تهران: سید جمال.
 ۱۶. بی‌نا (۱۳۸۷). مواضع ما، اعضای حزب جمهوری اسلامی. تهران: *روزنامه جمهوری اسلامی*.
 ۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). فلسفه حقوق بشر. قم: نشر اسراء.
 ۱۸. جیمز، لوسی و همکاران (۱۳۸۳). مطالعات امنیتی نوین. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۱۹. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳). فربه‌تر از ایدئولوژی. تهران: صراط.
 ۲۰. سوئیفت، آدام (۱۳۸۵). فلسفه سیاسی: راهنمایی‌های مقدماتی برای دانشجویان و سیاست‌مداران. ترجمه پویا موحد. تهران: ققنوس.
 ۲۱. فیرحی، داود (۱۳۸۵). تاریخ تحول دولت در اسلام. قم: دانشگاه مفید.
 ۲۲. قاسمی، صدیقه (۱۳۸۵). اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی. تهران: بقیعه.
 ۲۳. لکزایی، شریف (۱۳۸۰). سازوکارهای آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله بهشتی. *علوم سیاسی*، ۴(۱۳)، ص ۱۷۹-۱۵۹.
 ۲۴. لوئیس، برنارد (۱۳۶۶). مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی معاصر اسلامی. *کیهان فرهنگی*، ۴(۱۰)، ص ۳۶.
 ۲۵. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵). ایمان و آزادی. تهران: طرح نو.
 ۲۶. محمودی، علی (۱۳۷۶). گفتارهایی در باب فلسفه سیاست عدالت و آزادی. تهران: اندیشه معاصر.

۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). آزادی معنوی. تهران: صدرا.
۲۸. مک کالم، جرالده سی (۱۳۹۵). فلسفه سیاسی. ترجمه بهروز جندقی. تهران: طاها.
۲۹. مهاجری، مسیح (۱۳۹۷). جاودانه‌های تاریخ. تهران: دانشیاران ایران.
۳۰. نساج، حمید؛ پوررنجبر، مهدیه؛ مینا نظری، مینا (۱۳۹۵). جایگاه آزادی در منظومه فکری شهید بهشتی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۲(۲).
۳۱. نویمان، فرانسیس (۱۳۷۳). آزادی و قدرت و قانون. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۲. واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی (۱۳۶۱). راست‌قامتان جاودانه تاریخ اسلام: بهشتی اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ. تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، واحد فرهنگی، دفتر سوم.

References

Quran.

Nahj al-Balagha.

- Athary, H. & Doroudi, M. (2013). A comparative study of the concept of freedom from the perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Beheshti. *Journal of the Islamic Revolution*, 3(9), P.91-108. [In Persian]
- Bashieieh, H. (2001). **History of political thought in the twentieth century**. Tehran: Ney, Vol.2. [In Persian]
- Beheshti, M. (1979). **Detailed form of constitutional negotiations: Session 30**. [In Persian]
- Beheshti, M. (1983). Lecture on freedom in Islamic society. *Jomhuri Eslami newspaper*. P.4 . [In Persian]
- Beheshti, M. (2002). **Freedom from chaos and tyranny**. Tehran: Boghe. [In Persian]
- Beheshti, M. (2004). **Province, leadership and clergy**. Tehran: Boghe. [In Persian]
- Beheshti, M. (2007). **Union of Islamic Student Associations in Europe**. Tehran: Boghe. [In Persian]
- Beheshti, M. (2011 a). **The role of freedom in raising a child**. Tehran: Boghe. [In Persian]
- Beheshti, M. (2011 j). **Islamic Republic Party**. Tehran: Rozaneh. [In Persian]
- Beheshti, M. (2011). **Theoretical foundations of the constitution**. Tehran: Foundation for the Publication of the Works and Thoughts of Shahid Beheshti. [In Persian]
- Beheshti, M. (2011b). **God from the perspective of the Quran**. Tehran: Boghe. [In Persian]
- Beheshti, M. (bita). **An analytical study of jihad, justice, liberalism, Imamate**. Tehran: The headquarters of the 7th of Tir ceremony. [In Persian]
- Beheshti, M.; Bahonar, M.J. & Golzadeh Ghafouri, A. (2011). **Knowledge of the Quran**. Tehran: Boghe. [In Persian]
- Berlin, I. (2013). **Four articles about freedom**. Tehran: kharazmi. [In Persian]
- Bina (1982). **Lectures of the oppressed martyr Ayatollah Beheshti**. Tehran: Seyed Samal. [In Persian]
- Bina (2008). **Our positions, members of the Islamic Republic Part**. Tehran: Jomhuri Eslami newspaper.
- Cultural Unit of the Martyr of the Islamic Revolution Foundation (1982). **Rast Ghamatan**

- Javdaneh Tarikh Islam: Beheshti Ostorehi bar Javdaneh Tarikh.** Tehran: Bonyad shahid enqelab eslami, Cultural unit, Vol.3. [In Persian]
18. Feirahi, D. (2006). **History of the evolution of the state in Islam.** Qom: Mofid University. [In Persian]
 19. Javadi Amoli, A. (2000). **Philosophy of human rights.** Qom: Esra. [In Persian]
 20. Lakzaei, SH. (2001). Mechanisms of political freedom in the thought of Ayatollah Beheshti. *Political science*, 4(13), P. 159-179. [In Persian]
 21. Losi, J. & et al. (2004). **New security studies.** Translated by Alireza Tayeb & Vahid Bozorgi. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
 22. Louis, B. (1987). The concept of freedom in contemporary Islamic political thought. *Keyhan Farhangi*, 4(10), P.36. [In Persian]
 23. Mac Callum, G.C. (2016). **Political philosophy.** Translated by Behrouz Jandaghi. Tehran: Taha. [In Persian]
 24. Mahmoudi, A. (1997). **Discourses on the philosophy of the politics of justice and freedom.** Tehran: Andishe Moaser. [In Persian]
 25. Mohajeri, M. (2018). **Immortals of History.** Tehran: Daneshyaran Iran. [In Persian]
 26. Mojtahed Shabestari, M. (1996). **Faith and freedom.** Tehran: Tarhe No. [In Persian]
 27. Motahari, M. (1998). **Spiritual freedom.** Tehran: Sadra. [In Persian]
 28. Nasaj, H.; Pour Ranjbar, M. & Nazari, M. (2016). The place of freedom in the intellectual system of Shahid Beheshti. *Pajouheshhaye Ejtemaii Eslami*, 22(2). [In Persian]
 29. Noyman, F. (1994). **Freedom, power and law.** Translated by Ezat Allah Fouladvand. Tehran: Kharazmi Publications. [In Persian]
 30. Qasemi, S. (2006). **Islam and the requirements of the time from the perspective of the martyr Ayatollah Dr. Seyyed Mohammad Hossein Beheshti.** Tehran: Boghe. [In Persian]
 31. Soroush, A. (1994). **Farbehtar az Ideology.** Tehran: Serat. [In Persian]
 32. Swift, A. (2006). **Political Philosophy: An Introductory Guide for Students and Politicians.** Teranlated by Pouya Movahed. Tehran: Qoqnous. [In Persian]

شيوه ارجاع به اين مقاله

DOI: 10.22034/sej.2020.1872616.1168

عبدالله‌نسب، محمدرضا؛ رنجبر، مقصود (۱۴۰۰). تبیین مفهوم آزادی در اندیشه آیت‌الله بهشتی، تحلیل مبانی و محدودیت‌ها براساس مدل مک کالوم. سیهر سیاست، دوره ۸، شماره ۲۸، ص ۴۱-۵۶.